

برگشته است. من در فیلم نت سرپرست و مدیر بخش خلاقیت به خصوص در حوزه‌ی برنامه‌سازی هستم. یعنی برنامه‌هایی که در فیلم نت ساخته می‌شود از کارگاه ما عبور می‌کند. در واقع یا اصل ایده‌ی آن تولید کارگاه ماست یا اگر ایده‌ای از بیرون می‌آید در اینجا هرس می‌شود و کارگاه گذاشته می‌شود که در پایان اثری خلق می‌شود. «بند بازی»، «شباهنگی» و سریال «آنها» شروع این اتفاقات است.

### از تجربه‌ی بازی در سریال «آنها» بگویید

در حال حاضر یک سری بلیورد در سطح شهر از سریالی در ژانر وحشت به نام «آنها» پخش است. «آنها» را سروش روحبخش نوشته که سردبیر یکی از بهترین دوره‌های چلچراغ و مدرس خلاقیت و نویسنده‌ی درجه یک است. او این کار را چهار، پنج سال پیش برای فیلم نت و در یک کارگاه مشترک نوشت که فرصت ساختش پیش نیامد تا این اواخر که فیلم نت دوباره زنده شد و پرویز پرستویی تهیه‌اش را بر عهده گرفت. این سریال در دفتر مصطفی و محسن کبابی تولید شد و آن‌ها به کار و روند تولیدش خیلی کمک کردند و خدا را شکر یک تیم کاملا حرفه‌ای بالای سر کار قرار گرفت. «آنها» یک تجربه‌ی جدی در حوزه‌ی وحشت و به نظر من در ایران بی سابقه است. من هم در یک قسمتش بازی کردم. آنتولوژی است و هر قسمت داستان‌های جداگانه دارد. برای من تجربه‌ی خیلی جذاب و خوبی بود، یک نقش کاملا تلخ جدی است و آن قسمتی که من بازی کردم میستر هار (معمایی ترسناک) است که پیشنهاد می‌کنم آن را ببینید.

### در حال حاضر مشغول چه کاری هستید؟

در حال حاضر به «خندوانه»، «دراکولا» و فیلم نت مشغول هستم. یعنی من هفته‌ای هفت روز فیلم نت، هفته‌ای سه روز «خندوانه» و هفته‌ای سه یا چهار روز «دراکولا» هستم. در حال حاضر تقریباً حول و حوش هفته‌ای بیست روز کار می‌کنم و این اصلاً الکی نیست! تعطیلی چهارده خرداد، اولین روز تعطیل من بعد از هشتاد روز بود.

### باتوجه به اینکه اشتراک پلتفرم‌ها گران شده و مردم همچنان استقبال می‌کنند آینده و رقابتی که بین آن‌ها شکل گرفته را چطور می‌بینید؟

به نظرم رقابت خیلی جذابی است؛ فیلیمو و نماوا در این سال‌ها خیلی جدی، با برنامه و خوب کار کردند. من خیلی این کار را دوست دارم و کارگاه خلاقه‌ی فیلم نت برایم جای بسیار لذتبخشی است. از آن کارگاه‌های شبیه «کلاه قرمزی» و شبیه جناب خانی که آدم‌ها می‌نشینند و برین استورمیگ (طوفان فکری) می‌کنند و این برای من کار لذتبخشی است. آینده‌ی پلتفرم‌ها در حوزه‌ی تولید محتوا جدی می‌بینم و می‌توانم بگویم همین الان هم شاید با کیفیت‌ترین سریال‌ها و برنامه‌ها در پلتفرم‌های خصوصی تولید می‌شوند.



می‌کرد؛ فعالیت‌های مختلف تجاری، فرهنگی، خیریه، شهر بازی و... چرا که همه‌ی جهان سعی می‌کنند یک کاراکتری بسازند که محبوب باشد، حرف بزند، پویا باشد و بر اساس آن شروع به کار کنند. نمونه‌ی بسیار عالی آن که در دسترس ما نیست کاراکترهای دیزنی و دیزنی لند است و همه‌ی اتفاقاتی که در حاشیه‌شان می‌افتد؛ در واقع انواع و اقسام کارهای موزیکال، رویدادهای فیزیکی، غذا و غیره با آن‌ها اتفاق می‌افتد. آرزوی من این بود که می‌شد با جناب خان چنین کارهایی کرد اما آنقدر موانع اداری و قوانین کند و بروکراتیک وجود دارد که شاید تا زمان مرگ من هم این به شکل یک آرزو باقی بماند. همچنان دارم تلاش می‌کنم تا شاید بتوانم به در صدی از این اتفاق نزدیک شوم. جناب خان تا زمانی زنده خواهد بود که حرفی برای گفتن داشته باشد. روزی که حرف‌هایش تمام شود حتماً جمع می‌کند می‌رود جنوب به دنبال لب فروشی‌اش یا پاریس البته!

### به فکر کارگردانی و سریال‌سازی هم هستید؟

فیلم نت یک وی‌اودی بود که قبل از فیلیمو و نماوا با ایده‌ای که خودم داشتم در ایران متولد شد. شاید این مساله یک مقدار عجیب باشد، من که کارهای نمایشی کرده بودم اصلاً چرا باید به وی‌اودی فکر کنم؟ یک شب به ذهنم رسید که الان اینترنت پر سرعت وجود دارد و از طرفی فیلم‌های بسیاری در ویدئو کلوب‌ها و شبکه‌های نمایش خانگی وجود دارد که این‌ها می‌توانند در یک فضای قرار بگیرند و آدم‌ها با دستگاه‌هایشان بروند و ببینند. به همین اندازه هم با بی‌سودای کامل فکر می‌کردم چرا که من فنی نمی‌دانم. یازده شب با دوستم محمد صرف تماس گرفتم که در حال حاضر مدیرعامل فیلم نت است. صفر ایده را مطرح کردم و او خیلی استقبال کرد. هشت صبح روز بعد به سراغ یکی از دوستان شبکه‌ی نمایش خانگی رفتم و ایشان گفت که ایده‌ی خوبی است. بعدتر فهمیدیم که یک شبکه‌ای مثل نتفلیکس قبلاً وجود داشته و من واقعه اسمش را شنیده بودم و نه خبر داشتم چون فکر می‌کنم که این ماجرا به شش، هفت سال قبل برمی‌گردد و نتفلیکس آن موقع هم نتفلیکس حالانلود و نوپا بود. روند در یک شرکت خصوصی شروع شد و فیلم نت به راه افتاد. افت و خیزهای زیادی داشت، در شروع در اوج بود و بعد دیگر زورمان نرسید و در بازار رقابت عقب و عقب‌تر رفت تا الان که دوباره در این هفت، هشت ماه یک پلایشی شده و خیلی جدی به حوزه‌ی تولید محتوا



**جناب خان در یک بخشی از کاراکترش یک کم‌دین است که کم‌دی به مخاطب نیاز دارد. یعنی برای مثال زمانی که صد نفر بتوانند در کنار هم بنشینند و شلوغ باشند و لبخندشان را ببینی حتماً خلق یک کم‌دی کار ساده‌تری است به نسبت زمانی که ده، پانزده نفر نشسته‌اند و همه تازیر چشم ماسک دارند و متوجه نمی‌شوی که آیا الان دارند می‌خندند یا ناراحت هستند و این مساله کار ما را خیلی با چالش مواجه کرد**

اینستارگام خلق می‌شود که تا کم‌دین‌های رسمی بخواهند به آن برسند سوزه‌ی بعدی آمده است. اما من کماکان نقش تحصیلات آکادمیک، وقت گذاشتن خیلی جدی و رویکرد حرفه‌ای را بی‌تاثیر نمی‌دانم. دوست دارم از کاری که خودم می‌کنم دفاع کنم، به نظر من جناب خان کماکان دارد کار خودش را می‌کند و من وقتی که به عنوان یک مخاطب به او نگاه می‌کنم از مجموع کار راضی هستم. شاید بیش از دو بیست قسمت کار کردیم و هنوز نمی‌شود بر حسب افت جدی به جناب خان زد و هنوز خیلی شب‌ها بکر بوده است. چون بداهه بوده برای خودمان هم بکر است. خیلی شب‌ها وقتی که کار را ضبط می‌کنیم من، مهدی برقی و حامد ذبیحی، عروسک گردان جناب خان، به او می‌خندیم چون نمی‌دانستیم که قرار است چه چیزی خلق شود. این را هم تاکید کنم که هنوز و هر روز داریم با محدودیت‌هایی که وجود دارد می‌جنگیم.

### در این فصل کرونا بی‌خندوانه که جناب خان خیلی پررنگ تر شده، سختی کار بیشتر شد؟

بله، خیلی سخت‌تر شده بود. جناب خان در یک بخشی از کاراکترش یک کم‌دین است که کم‌دی به مخاطب نیاز دارد. یعنی برای مثال زمانی که صد نفر بتوانند در کنار هم بنشینند و شلوغ باشند و لبخندشان را ببینی حتماً خلق یک کم‌دی کار ساده‌تری است به نسبت زمانی که ده، پانزده نفر نشسته‌اند و همه تازیر چشم ماسک دارند و متوجه نمی‌شوی که آیا الان دارند می‌خندند یا ناراحت هستند و این مساله کار ما را خیلی با چالش مواجه کرد. اما در این فصل تلاش مضاعف کردیم تا این شخصیت افت نکند. درباره‌ی بخش‌های جناب خان که به من مربوط است حرف می‌زنم. من فقط نظر خودم را می‌گویم و از نظر من افت نکرده و شاید حتی یک مقدار از فصل‌های قبل پر و پیمان‌تر بوده، موزیک‌های جدیدتر، کم‌دی برنده‌تر و شاید موضوعات بکرتر. فشار بیشتری به ما آمده سعی کردیم در خروجی تأثیری نداشته باشد.

### با جناب خان تا کجا پیش می‌روید؟

من فکر می‌کنم اگر در یک کشوری بودیم که به لحاظ فرهنگی ساز و کار دقیق‌تر و سازمان‌یافته‌تری وجود داشت احتمالاً الان جناب خان می‌بایست یک بنیادی می‌داشت که فعالیت‌های مختلفی